

سودآوری حداکثر، صرفه جوئی حتی المقدور، کهنکشانى ساختن هرچه غول آسائر کار اضافی طبقه کارگر (سرمایه ها و سودهای سرمایه داران) و لاجرم فرسایش و کاهش تا سرحد ممکن کار لازم کارگران (معاش، درمان و مایحتاج زندگی) آنان است.

معنای زمینی دولت سرمایه، کم یا بیش چنین است و ترجمان واقعی بودجه نویسی یا نقش دیوان محاسباتش را باید در پرتو این تعریف تعمق کرد. نقطه آغاز تا پایان چیزی به نام بودجه، چاره اندیشی ها، برنامه ریزی ها، سیاستگذاری ها و تنظیم دخل و خرج و سود «سرمایه اجتماعی» (کل سرمایه ها) از طریق تشدید هرچه طوفانی تر فشار استثمار، فقر، گرسنگی، بی خانمانی، گورخوابی، فرسایش جسمی، استهلاک فکری، وخامت شرائط کار و زندگی توده های کارگر است. بودجه قرار نیست نقشی سوای این بازی کند، هر عبارت و هر سطرش عهده دار انجام گوشه ای از این رسالت است. به متن منتشره رژیم که از سوی «رئیسى» یکی از بزرگ کشتارگران تاریخ توحش سرمایه داری به مجلس همین رژیم تسلیم شده است نگاه کنیم. در شرائطی که میانگین مزد ساعتی یک کارگر کلا

برای فهم بودجه دولت در جامعه سرمایه داری، قبل از هر چیز باید تعریف تیتروگونه ای از جنس و ماهیت دولت داشت. دولت در این نظام فقط مشتی وزارتخانه، استانداری، فرمانداری، نهادهای متنوع اداری نیست. طول و عرض آن در وجود ارتش، سپاه، پلیس، بسیج، سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی، کل قوای سرکوب فیزیکی، دستگاههای اختاپوسی شستشوی مغزی و مهندسی افکار، «پارلمان»، سیستم قضائی و حقوقی، شورای نگهبان، مجلس خبرگان، بنگاه تشخیص مصلحت و صدها نهاد این چنینی هم خلاصه نمی گردد. کل اینها اجزاء دولت هستند، اما دولت سرمایه بسیارعظیم تر و فراتر از همه اینهاست. دولت، خود سرمایه است. سرمایه تخصص یافته در شکل ساختار نظم، برنامه ریزی، نهادهای اندیشه، سیاست، حقوق، مدنیت، اخلاق، ارزش های اجتماعی، فرهنگ، آموزش، پرورش، ایدئولوژی، مذهب، قانون، آئین، سنت، قوای قهر اقتصادی، نیروی سرکوب فیزیکی، فکری، کل آنچه که نیاز جبری وجود یا بقای رابطه تولید اضافه ارزش و تحمیل قهرآمیز این رابطه اجتماعی بر توده های کارگر است. دولت نماد متعین شعور و تشخیص چرخه ارزش افزائی، گردش، سامان پذیری،

اعم از ساده یا دارای بالاترین تخصص و مهارت در پهندهشت این جهنم گند و خون و دهشت، از ۱۲۰۰۰ تومان تجاوز نمی کند، هزینه دستمزد برای هر ساعت تولید برنامه های شستشوی مغزی کارگران توسط سازمان «صدا و سیمای جمهوری اسلامی» را **یک میلیارد تومان** و میزان کمک سالانه به این بنگاه فریب، خرافه آفرینی و وارونه پردازی را بالای ۵ تریلیون و ۳۰۰ میلیارد تومان تعیین کرده است!!! اما این فقط یک قلم ناپیدا از کل هزینه سرکوب، آن هم صرفا سرکوب فکری طبقه کارگر است. رقمی که دولت از محل تشدید وحشیانه استثمار کارگران به وحوش بانی، سیاستگذار، طراح و مجری تحمیق انسانها اختصاص داده است بیش از ۱۳ تریلیون تومان است. ۱۵ مؤسسه اختاپوسی آموزش اسلامی، از سنخ حوزه های علمیه!! جامعه المصطفی، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی برنامه ریزی حوزه های زنانه و مردانه، بالغ بر ۸ تریلیون و ۵۱۳ میلیارد تومان از حاصل کار و استثمار توده کارگر دریافت می دارند تا از طریق هزینه کردن این ارقام هوش ربا به سلاخی شعور کارگران پردازند. فراموش نکنیم که زمین و زمان جهنم سرمایه داری در بند، بند خود، در کل آموزش، سیاست، فرهنگ، ادبیات، هنر، مطبوعات، تئوری بافی یا تولید افکار، ماشین مسخ سازی و تحمیق انسان است، آنچه این مؤسسات انجام می دهند مزید بر تولیدات روتین چرخه فکر آفرینی سرمایه و هزینه های آنها بار مضاعف تریلیون ها تومانی است که بر هزینه های دیگرش اضافه و بر زندگی توده

کارگر سرشکن می گردد. کل اینها اما فقط مخارج رسمی سرکوب فکری یا مهندسی شعور انسانها است، هزینه های قهر فیزیکی سرمایه از این هم افزون تر است. سپاه پاسداران ۹۳ تریلیون تومان، پلیس سرمایه ۴۴ تریلیون، ارتش ۹۶ تریلیون، وزارت خانه های دادگستری، قوه قضائیه، کشور، امور ایثارگران، ارشاد و سایر سازمان های نظم و قهر بالغ بر ۱۰۰ تریلیون، جمعا ۳۳۰ تریلیون تومان، در بودجه دولت سهم دارند تا چه کنند؟ تا وظیفه کشتار، نسل کشی و حمام خون اعتراضات طبقه کارگر را بر دوش کشند. کل این اقلام را باید چند ده میلیون کارگر، با کار خود، پرداخت نماید، آنان باید کل این ارزش اضافی ها را تولید و تسلیم سرمایه کنند تا در قبال آن هر صدای اعتراض و هر نفس کشیدن مخالفت آمیزشان توسط سرمایه داری سرکوب شود. نکته قابل تعمق آنکه نهادهای نظامی و انتظامی بالا از سپاه پاسداران گرفته تا ارتش و ناجا خود مالک عظیم ترین بخش سرمایه اجتماعی کشور هستند، حدود ۷۰ درصد کل صنایع، بانکها، غول های تجاری، تراست های بزرگ راه و ساختمان، معادن، «خدمات»!! متعلق به همین نهادها هستند. ۷۰ درصد کوه اضافه ارزش ها را می بلعند، با همه اینها نجومی ترین سهام از مابقی اضافه ارزش های تولید شده توسط توده کارگر را هم از طریق دولت و بودجه دولتی به خود اختصاص می دهند.

به بخش دیگر بودجه سالانه رژیم اسلامی نگاه کنیم، تخصیص ارز هر دلار ۴۲۰۰ تومان به هزینه تولید و واردات کالا قطع می گردد. معنای شفاف

و زمینی این حرف آنست که از این پس طبقه کارگر ایران باید قهرا کل مایحتاج معیشتی خود را به دلار آمریکا و یورو اروپا وین ژاپن پرداخت نماید. آنچه کارگران برای قوت لایموت و حداقل معاش خویش می پردازند، از دو حال خارج نیست، یا در داخل تولید می شود و یا از بازار جهانی سرمایه وارد می گردد. وقتی بناست که ریال، ریال هزینه تولید این محصولات، از اجزاء استوار و گردشی سرمایه ثابت گرفته تا مخارج حمل و نقل و همه چیز دیگر با دلار بالای ۳۰ هزار تومان تأمین شود، پیداست که بهای فروش آن نیز به همین دلار خواهد بود. تکلیف واردات کالا از این هم روشن تر است. در یک کلام دهها میلیون کارگر به حکم بودجه تنظیم شده توسط دولت باید سیر تا پیاز هزینه بازتولید نیروی کارشان را با دلار پرداخت نمایند و این در حالی است که مزد ماهانه آنان به طور متوسط زیر ۱۵۰ دلار آمریکا است!!!

گرانی های انفجارآمیز ناشی از حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی و تأثیر آن بر سیر تصاعدی غیرقابل مهار قیمت کالاها، به یقین کار پرداخت شده طبقه کارگر یا دستمزدهای محقر آنان را بمباران خواهد کرد و به گونه فاحشی محقرتر خواهد ساخت، اما این فقط گوشه ای از شبیخونها است. دیوان محاسبات سرمایه بر اساس بند دیگری از همین بودجه تصمیم گرفته است که درآمد مالیاتی دولت در ۱۴۰۱ تا رقم ۳۲۵ تریلیون تومان و در سال ۱۴۰۲ تا ۵۲۶ تریلیون تومان افزایش یابد. در هیچ کجای این بودجه هیچ نشانه ای از وصول هیچ سنار مالیات، از هیچ غول عظیم صنعتی،

هیچ هلدینگ عظیم مالی یا تولیدی، هیچ بنگاه مالی تحت فرمان خامنه ای، هیچ تراست متعلق به سپاه پاسداران، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، مؤسسات صنعتی و مالی ناجا یا بنگاهها، کمپانی ها، مقاطعه کاری ها، پتروشیمی ها و شبکه های اقتصادی زنجیروار قرارگاه خاتم، محمد رسول الله و آستان قدس رضوی دیده نمی شود. کل مالیات ۳۲۵ تریلیونی و ۵۶۰ تریلیونی سالهای جاری و آتی را باید کارگران از کار پرداخت شده خویش، از دستمزدهای سنار و سی شاهی خویش بپردازند. همه اینها شاید نوک کوه یخ باشد، برای رؤیت جثه سترگ کوه باید کل بدهی دولت را کاوید. رژیم این رقم را ۱۰۰۰ تریلیون تومان اعلام کرده است. رقمی که دولت به طبقه سرمایه دار پرداخته است تا از قوت لایموت نسل حاضر و نسلهای آتی طبقه کارگر کسر کند. طوفان سهمگین تر گرانی ها در راه است کارگران باید همه چیز را به قیمت های نجومی تر خریداری کنند، آب راه، برق راه، گاز را گران تر بخرند، اجاره بهای مسکن را چندبرابر پرداخت کنند، پیام بسیار موجز اما به شدت کوبنده و رعب انگیز بودجه ۱۴۰۱ رژیم اسلامی برای کارگران این است. توده کارگر چه خواهند کرد؟ بر جبین کشتی روز جنبش کارگری هیچ نور امیددی ساطع نیست، اما این جنبش در همین تاریکی زار بردار دنیای رخدادهاست. چه خواهد کرد نمی دانیم اما اگر بناست کامی در راستای چالش این وضعیت جهنمی بردارد باید سراسری، شورائی و ضد سرمایه داری متحد گردد.